

قالب‌های معنایی فعل «خواندن» در فارسی

مسعود دهقان^۱

بهناز وهابیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی قالب‌های معنایی فعل «خواندن» و ارائه معانی مختلف این فعل در زبان فارسی براساس انگاره معنانشناسی قالب-بنیاد فیلمور (۱۹۸۲) با رویکرد شناختی است. پیکره مورد بررسی، معانی سرنمون و مجزای فعل خواندن در فارسی است که با روش کتابخانه‌ای از فرهنگ بزرگ سخن گردآوری شده است. در این فرهنگ، پانزده معنای مختلف برای فعل خواندن آمده است. پس از استخراج شواهد مشخص شد که معنای سرنمون یا اولیه فعل خواندن، «قرائت» است. نتایج نشان داد که این فعل علاوه بر معنای سرنمون «قرائت» پنج خوشه معنایی شامل «مطابقه، درک و فهم، تحصیل، نامگذاری/صدای زدن و استعاری» دارد که همگی در زیرقالب معنایی خاص «ادراکی-بصری» قرار می‌گیرند. یافته‌های پژوهش، تصویری روشن از معنای فعل خواندن در زبان فارسی به دست داده است و تبیین‌های ارائه شده در این پژوهش می‌توانند در آموزش زبان فارسی مفید واقع شوند و یادگیری آن را برای زبان‌آموزان سهل نمایند.

واژگان کلیدی: چندمعنایی، معنانشناسی قالب-بنیاد، فعل خواندن، زبان فارسی

✉ dehghan_m85@yahoo.com

۱. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۱- مقدمه

معناشناسی قالب-بنیاد^۱ را فیلمور^۲ (۱۹۸۲) در مؤسسه ملی علوم رایانه در دانشگاه برکلی راه‌اندازی کرد. براساس این رویکرد، یک قالب معنایی، توصیفی از نوع رویداد، رابطه و مشارک‌ها در آن رویداد را ارائه می‌کند. قالب‌ها، به صورت واحدهای واژگانی^۳ بازنمود پیدا می‌کنند. برای بیان مفاهیم ذهنی، یعنی قالب‌ها^۴، از واحدهای واژگانی استفاده می‌شود و تفاوت‌های معنایی موجود در این مفهوم کلی یا قالب در واحدهای واژگانی نشان داده می‌شوند. این شبکه مطالعه پیکره‌بنیاد در حوزه زبان‌شناسی شناختی^۵ و همچنین زبان‌شناسی رایانشی^۶ است. یکی از مباحث مهم در زبان‌شناسی شناختی، چندمعنایی^۷ و به‌ویژه چندمعنایی افعال است. پژوهش حاضر به بررسی چندمعنایی فعل خواندن از دیدگاه انگاره معناشناسی قالب-بنیاد که نخستین بار فیلمور (۱۹۸۲) آن را مطرح کرد، پرداخته‌است. انگاره قالب‌های معنایی بر این باور استوار است که واژه‌ها، مقوله‌هایی تجربی هستند و هر یک از این مقوله‌ها تحت تأثیر موقعیتی قرار دارند که از دانش و تجربه پس‌زمینه‌ای تأثیر می‌پذیرد. براساس این انگاره، واژه‌ها فقط در تجارب و موقعیت‌های زندگی بشر شکل می‌گیرند و تنها راه ممکن برای اطلاع از کاربرد عناصر معنایی گفتار، درک تجارب و موقعیت‌هاست. با توجه به معنای واژه، معنی‌شناسی قالب-بنیاد تلاشی برای درک انگیزه‌های یک جامعه زبانی در تولید مقوله واژه است. از این‌رو، این رویکرد، معنای واژه را با نشان دادن و طبقه‌بندی این انگیزه‌ها نشان می‌دهد. دیدگاه فیلمور (۱۹۸۲) از معنی‌شناسی قالب-بنیاد، برنامه‌ای مطالعاتی و پژوهشی در معنی‌شناسی تجربی و همچنین ارائه چارچوبی توصیفی برای توضیح نتایج چنین مطالعه‌ای است. همچنین، به باور وی معنی‌شناسی قالب-بنیاد هم روشی خاص برای پرداختن به معنای واژه‌ها ارائه می‌دهد و هم راهکاری برای تعیین اصول مربوط به خلق واژه‌های جدید و همچنین افزودن معنای جدید به واژه‌ها و نیز انباشت معنای اجزای تشکیل‌دهنده یک متن برای درک کل معنای آن متن در اختیار می‌گذارد. فیلمور در مقاله ۱۹۶۹ ادعا کرده‌است حالت‌ها، مفاهیم

1. Frame Semantics
2. C. J. Fillmore
3. lexical units
4. frames
5. cognitive linguistics
6. computational linguistics
7. polysemy

همگانی و احتمالاً ذاتی هستند و عبارت‌اند از قضاوت‌هایی که انسان‌ها دربارهٔ حوادثی که در اطراف‌شان رخ می‌دهد ابراز می‌دارند و عبارت‌اند از عاملی^۱، تجربه‌گر^۲، وسیله‌ای^۳، پذیرا^۴، تحقیقی^۵، مکانی^۶، زمان^۷، مبدأ^۸، مقصد^۹، همراهی^{۱۰}، بهره‌وری^{۱۱} و نیرو^{۱۲}. همچنین راسخ‌مهند (۱۳۸۹: ۷۰) بیان می‌کند که فیلمور به اهمیت مطالعهٔ معنای دائره‌المعارفی و بررسی شبکهٔ معنایی هر واژه پرداخته‌است. وی هر قالب را طرحی از تجربه می‌داند که در حافظهٔ بلندمدت وجود دارد. بنابراین درک معنای یک واژه یا ساخت دستوری، خارج از قالب معنایی، ممکن نیست و این قالب متشکل از عناصری است که حول یک تجربه جمع شده‌اند. هر قالب معنایی، دانشی است که برای درک معنای واژه‌های خاص یا واژه‌های مرتبط لازم است. در نوشتار پیش‌رو از میان مقولات واژگانی متفاوت، مبحث فعل بررسی شده‌است. این مقوله از دید زبان‌شناسان در حوزه‌های گوناگون نحو، ساخت‌واژه و معناشناسی اهمیت دارد. مقولهٔ فعل، چارچوب معنایی جمله و روابط موجود در آن را مشخص می‌کند. با توجه به کاربرد بسیار فعل «خواندن» در میان گویشوران زبان فارسی سعی شده‌است با استفاده از سازوکارهای معنی‌شناسی شناختی روابط میان معانی این فعل پرکاربرد، توصیف و تبیین گردد. فعل یکی از دشوارترین مقولات واژگانی برای مطالعه است، مخصوصاً افعال چندمعنایی که دشواری کار را چندبرابر می‌کند. بنابراین در این پژوهش سعی بر این است که به تبیین فعل خواندن که نمونهٔ بارز یک فعل چندمعنایی است بپردازیم. بررسی‌ها نشان داده‌است که این فعل از معنای سرنمون «قرائت» و ۵ خوشهٔ معنایی شامل «مطابقه»^{۱۳}، درک/فهم^{۱۴}، تحصیل^{۱۵}، نامگذاری/صد

1. agentive
2. experiencer
3. instrumental
4. patient
5. factive
6. locative
7. time
8. source
9. goal
10. companion
11. benefactor
12. force
- 13 mapping
- 14 comprehension
- 15 education

زدن^۱، استعاری^۲ برخوردار است، و ۱۵ معنای متمایز این فعل در قالب این خوشه‌های معنایی جای می‌گیرند که همگی در زیرقالب معنایی «ادراکی-بصری» قرار دارند.

۲- انگاره معنانشناسی قالب-بنیاد

از زمانی که حرکت از حوزه سنت‌های بلاغی^۳ به سمت پیدایش معنی‌شناسی تاریخی - فقه‌اللغوی^۴ صورت پذیرفت و تحت تأثیر آرای برآل^۵ (۱۸۹۷) و پاول^۶ (۱۸۸۰) به نوعی رهیافت در زمانی در مطالعه معنا مبدل شد، همواره با دو نگرش در میان زبان‌شناسان و فیلسوفان زبان درباره واحد مطالعه معنا روبه‌رو هستیم. آن دسته از زبان‌شناسان و فیلسوفان زبان که واحد مطالعه معنا را «واژه» در نظر می‌گیرند و بر این باورند که مطالعه واحدهای بزرگ‌تر از واژه بر حسب قواعد «ترکیب‌پذیری»^۷ معنایی صورت می‌پذیرد، به وجود نوعی معنی‌شناسی قائل‌اند که امروزه «معنی‌شناسی واژگانی»^۸ نامیده می‌شود. در این میان، مطالعات معنانشناسی ساخت‌گرا، نوساخت‌گرا^۹، پژوهش‌های معنی‌شناسان زایشی‌گرا و نیز مطالعات معنی‌شناسان شناختی در این قالب قرار می‌گیرد (گیرتس^{۱۰}، ۲۰۱۰). در این دسته از مطالعات، فرض بر این است که هر واژه در خارج از هم‌نشینی با واژه‌های دیگر و در بی‌نشان‌ترین شکل وقوع خود از نوعی «معنا» برخوردار است.

انگاره معنی‌شناسی قالب-بنیاد فیلمور (۱۹۸۲) نیز به مثابه یکی از مهم‌ترین سازه‌های تشکیل‌دهنده معنی‌شناسی شناختی از همین ویژگی برخوردار است و با تکیه بر این باور شکل گرفته است که هر واژه‌ای معنای خاص خود را دارد و واحدی نظیر «جمله» دارای معنایی است که محصول معنای واژه‌های تشکیل‌دهنده‌اش خواهد بود. گروه دوم، مجموعه‌ای از معنانشناسان و فیلسوفان زبان را در بر می‌گیرد که به وجود معنا برای واژه قائل نیستند، بلکه بر این اعتقادند که واحد درک معنا را جمله باید در نظر گرفت و آنچه امروز به‌عنوان

1 naming

2 metaphorical meaning

3. rhetorical traditions

4. historical-philological semantics

5. M. Bréal

6. H. Paul

7. compositionality

8. lexical semantics

9. neostructuralist

10. D. Geeraerts

«معنای واژه» مطرح می‌شود، در اصل از طریق قواعد «تجزیه‌پذیری»^۱ حاصل آمده‌است. به عبارت ساده‌تر، ما به هنگام فراگیری زبان از همان آغاز تولد، هیچ‌گاه با معنای واژه‌ها درگیر نبوده‌ایم، بلکه همواره با معنای جمله مواجه شده‌ایم و سپس از طریق معنای هر جمله به نوعی درک نادقیق از معنای واژه‌ها رسیده‌ایم. این دیدگاه که به نظر می‌رسد از آرای کواین^۲ (۱۹۵۳؛ ۱۹۶۰) سرچشمه می‌گیرد، تا به امروز ادامه می‌یابد و به‌ویژه در آرای گوکر^۳ (۲۰۰۳) به شکلی درمی‌آید که انگار حتی نمی‌توان برای هیچ واژه‌ای، آن معنای اولیه را نیز در نظر گرفت. در شکل تعدیل‌یافته این دیدگاه که در اصل «معنی‌شناسی جمله» به حساب می‌آید، واژه‌ها دارای معنا هستند، اما «معنادار» نیستند (لاینز^۴، ۱۹۸۱). در برابر این دو دیدگاه باید متذکر شد که معنی‌شناسی قالب-بنیاد از رهیافتی واژگانی برخوردار است و متکی بر این باور است که می‌توان برای هر واژه‌ای در خارج از بافت، معنایی را متصور بود و سپس مشخص ساخت که این معنا چگونه در باهم‌آیی با معنای دیگر قرار می‌گیرد.

بخش سوم از نوشتار حاضر را به معرفی معنی‌شناسی قالب-بنیاد و منشأ و عوامل پیدایش آن اختصاص خواهیم داد. آنچه فیلمور در طرح اولیه قالب‌ها مطرح ساخته بود، در چارچوب آرای معنی‌شناسان شناختی به‌درستی امکان طرح می‌یافت. دو مفهوم عمده که در قالب معنی‌شناسی شناختی برای اشاره به ساختارهای بزرگ‌تر دانش قابل‌طرح‌اند، عبارت‌اند از: «الگوهای شناختی آرمانی‌شده»^۵ که لیکاف^۶ (۱۹۸۷) ارائه داد و «قالب»ها که فیلمور (۱۹۷۵)؛ ۱۹۷۷؛ ۱۹۸۵؛ ۱۹۸۷) آن را مطرح کرد. دو مفهوم «الگوهای شناختی آرمانی‌شده» و «قالب»ها در گسترده‌ترین مفهومشان به‌نوعی با هم مترادف‌اند و به ساختارهای دانشی اشاره می‌کنند که به طرز فکر ما درباره جهان تجسم می‌بخشند. این در حالی است که «قالب» در مفهوم محدود و جزئی‌اش به نوع خاصی از سازمان‌بندی دانش در واژگان اشاره دارد (گیررتس، ۲۰۱۰: ۲۲۳). در اواخر دهه ۶۰ بود که فیلمور دریافت گروه‌های مشخصی از افعال و طبقه‌بندی‌های مشخصی از بندها را می‌توان به شکلی معنی‌دارتر توصیف کرد، آن هم در صورتی که ساختارهایی که افعال با آنها در ارتباط هستند، با توجه به نقش‌های معنایی

1. decompositionality
2. W. Quine
3. C. Gauker
4. J. Lyons
5. Idealized Cognitive Model
6. G. Lakoff

موضوع‌های مرتبط توصیف شوند. وی برخی از آثار و نوشته‌های زبان‌شناسان آمریکایی و اروپایی را درباب دستور وابستگی و نظریهٔ ظرفیت مطالعه کرده بود و چنین می‌پنداشت که آنچه در مورد یک فعل حائز اهمیت است، ظرفیت معنایی آن، یعنی توصیفی از نقش معنایی موضوع‌های فعل مورد نظر است. نظریهٔ ظرفیت و دستور وابستگی، دقیقاً مانند دستور گشتاری، نقش گزاره یا همان گروه فعلی را مشخص نمی‌کرد. به اعتقاد فیلمور، اگر به جای تکیه بر انواع عبارت‌های توزیعی منفرد مانند «مختصه‌های زیرمقوله‌ای محض»^۱ و «مختصه‌های انتخابی»^۲، نقش‌های معنایی تمامی موضوع‌های یک گزاره را مدنظر قرار می‌دادیم، آنگاه به طبقه‌بندی معنایی کامل و ملموس‌تری دست می‌یافتیم. هدف نهایی فیلمور در این دیدگاه که «دستور حالت» نام داشت، ارائهٔ آن نوع «فرهنگ ظرفیت» بود که با انواع موجود در آن زمان در اروپا تفاوت داشته باشد و مثلاً با داشتن فهرست کاملی از ظرفیت معنایی و ظرفیت نحوی افعال از فرهنگ لغت هلبیگ^۳ و شنکل^۴ (۱۹۷۳) به شکل بارزی متفاوت باشد. در چنین شرایطی بود که او به وجود ساختارهای شناختی بزرگ‌تری قائل شد که توانایی ایجاد لایهٔ جدیدی از نقش‌های معنایی را دارند و به‌واسطهٔ آن می‌شود کل حوزهٔ واژه را به لحاظ معنایی، شناسایی و توصیف کرد (فیلمور، ۲۰۰۶الف: ۳۷۷).

فیلمور و اتکینز^۵ (۱۹۹۲) بر این باورند که رویدادهایی در جهان خارج قرار است به زبان جاری شود. هر رویداد را می‌توان یک «صحنه» در نظر گرفت و سپس معلوم کرد که این صحنه چگونه در زبان بیان می‌شود. در این مورد، فیلمور برای تشریح بیشتر، طرحوارهٔ «صحنه» از حوزهٔ «معامله» را توصیف می‌کند (فیلمور، ۱۹۷۷ب) و می‌کوشد این نکته را ثابت کند که تعداد زیادی از افعال انگلیسی به شیوه‌های مختلفی به لحاظ معنایی به هم مرتبط‌اند و همگی «صحنه» مشابهی را در ذهن انسان برمی‌انگیزند. برای نمونه، در حوزهٔ معامله، عناصری مانند خریدار، فروشنده، کالا، و پول وجود دارند که با به کار بردن هر یک از افعال انگلیسی نظیر «sell» [فروختن]، «buy» [خریدن]، «pay» [پرداختن]، «cost» [هزینه کردن] و جز آن، بخشی از صحنه برجسته و پررنگ می‌شود و بخش دیگر به صورت پس‌زمینهٔ صحنه درمی‌آید. صحنهٔ جهان خارج ما به این شکل خواهد بود که خریدار و فروشنده با توجه

1. strict subcategorization features
2. selectional features
3. G. Helbig
4. S. Wolfgang
5. B. T. Sue Atkins

به مناسبات حاکم بر تبادل تجاری به این عمل دست می‌زنند؛ یعنی خریدار پولی را به فروشنده می‌دهد و فروشنده در عوض آن پول، کالایی را به خریدار می‌دهد. بیان این صحنه در زبان، قالبی را در برابر ما قرار می‌دهد که همین چهار عنصر در هیأت مجموعه وسیعی از جمله‌های زبان، همان رویداد جهان خارج را بیان می‌کنند. فیلمور به دنبال آن است تا معلوم کند این قالب‌های زبانی در برابر صحنه‌های جهان خارج چگونه عمل می‌کنند. بحث اصلی بر سر آن است که به اعتقاد فیلمور، کسی نمی‌تواند ادعا کند معنای این دسته از افعال را فهمیده، مگر اینکه جزئیات صحنه مربوط به این افعال را که با پیش‌زمینه‌ها و پس‌زمینه‌های فعال شده به‌واسطه هر یک از این افعال همراه است، کاملاً بداند و درک کرده باشد. به این ترتیب، کاربرد اصطلاح «قالب» به روشی ساختارمند برای نمایش ذهنی یک صحنه، ما را بر آن می‌دارد که بگوییم قالب‌ها به معنای واژگانی شکل می‌دهند و این واژه‌ها هستند که قالب‌ها را برمی‌انگیزانند (فیلمور، ۲۰۰۶ الف: ۳۷۷-۳۷۸).

نوع دوم قالب-بنیاد که فیلمور توصیف می‌کند در ارتباط با موقعیت واقعی ارتباط است. وقتی ما قطعه‌ای زبانی را درک می‌کنیم، هم توانایی طرحواره‌سازی عناصر و سازه‌های این جهان را که متن مورد نظر برایمان مشخص کرده‌است درک کرده‌ایم و هم توانایی طرحواره‌سازی موقعیتی را به کار می‌بندیم که قطعه زبانی در آن تولید شده‌است. به عبارت دیگر، ما از دو نوع قالب با نام‌های «قالب‌های شناختی»^۱ و «قالب‌های تعاملی»^۲ برخورداریم؛ قالب‌های تعاملی به چگونگی مفهوم‌سازی آنچه بین‌گوینده و شنونده یا بین‌نویسنده و خواننده رخ می‌دهد مربوط می‌شود (فیلمور، ۲۰۰۶ الف: ۳۷۹). واقعیت این است که واژه مقله‌ای را در اختیارمان قرار می‌دهد که می‌تواند در بافت‌های مختلف متعددی به کار رود؛ این بافت‌ها از طریق جنبه‌های چندگانه کاربرد پیش‌نمونه‌ای واژه مورد نظر تعیین می‌شوند (فیلمور، ۲۰۰۶ الف: ۳۸۱). درواقع، مهم‌ترین تفاوت معنی‌شناسی قالب-بنیاد و معنی‌شناسی صوری، در تأکید بر پیوند بین زبان و تجربه در معنی‌شناسی قالب-بنیاد و گسستگی این دو در معنی‌شناسی صوری است. معنی‌شناسی قالب-بنیاد به واژه‌ها نگاه جدیدی می‌اندازد و می‌کوشد برای خلق واژه‌ها و عبارت‌های جدید، اصولی را تعیین کند تا با آن بتوانیم معانی تازه‌ای به واژه‌ها بیفزاییم و معانی اجزای تشکیل‌دهنده متن را برای به دست‌دادن معنای کل متن با هم ترکیب کنیم. «قالب» در «معنی‌شناسی قالب-بنیاد»، نظامی از مفاهیم مرتبط به

1. cognitive templates
2. interactive templates

هم محسوب می‌شود؛ آن هم به گونه‌ای که برای درک هر یک از این مفاهیم مجبوریم کل ساختاری را درک کنیم که مفهوم مورد نظر در آن قرار گرفته‌است. به این ترتیب، وقتی یکی از عناصر موجود در ساختار موجود در متنی تظاهر می‌یابد یا در مکالمه‌ای به کار می‌رود، تمام عناصر و سازه‌های دیگر موجود در آن ساختار نیز به صورت خودکار قابل دسترس می‌شوند. اصطلاح [قالب] عنوانی کلی است که به جای اصطلاحاتی چون «طرحواره پویا»^۱، طرحواره ایستا^۲، صحنه‌سازی^۳، چارچوب اندیشگانی^۴، الگوی شناختی^۵ و نظریه عامیانه^۶ در نظریه فیلمور به کار رفته‌است (فیلمور، ۲۰۰۶ الف: ۳۷۳). به باور فیلمور، همچنین، برای توضیح طبیعی‌ترین تعابیری که از جملات زبان به دست می‌دهیم به چیزی بیش از بافت و معنای تحت‌اللفظی کلمات نیازمندیم، آن هم به این دلیل که خود کلمات موقعیت‌هایی را برایمان برمی‌انگیزند که جزئیاتشان به لحاظ شناختی قابل توضیح می‌نماید. در واقع، ما برای درک معنای نشانه‌های زبانی خاص، به ساختاری دولایه نیاز داریم؛ لایه پس‌زمینه که تجربی است و لایه پیش‌زمینه که خود را در لایه پس‌زمینه می‌نمایاند؛ به همین دلیل، وجود کلمات و قالب‌ها ضروری است.

۳- پیشینه پژوهش و مطالعات مرتبط

در سال‌های اخیر پژوهش‌های بسیاری درباره چندمعنایی واژگان شده‌است. مقوله فعل در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه چارچوب معنایی جمله و روابط موجود در آن را معین می‌سازد. در اینجا به برخی از پژوهش‌های مرتبط که پیش از این به بررسی ابعادی از زبان فارسی با رویکرد شناختی پرداخته‌اند، اشاره می‌کنیم.

کریمی‌دوستان و همکاران (۱۳۹۵) به «بررسی چندمعنایی فعل سبک «زدن» از دیدگاه شناختی» پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که چندمعنایی فعل سبک «زدن» بر مبنای بررسی فعل سنگین متناظر آن، پدیده‌ای نظام‌مند بوده و سازوکارهای شناختی نظیر مقوله‌بندی، استعاره مفهومی و طرحواره‌های تصویری در شکل‌گیری معانی مختلف این عنصر زبانی در قالب یک

1. script
2. schema
3. scenario
4. ideational scaffolding
5. cognitive model
6. folk theory

مقوله شعاعی نقش اساسی داشته‌است. یافته‌ها نشان داده که معنای فعل سبک بر باهم‌آیی این افعال با عناصر پیش‌فعلی در ساخت افعال مرکب فارسی تأثیر بسزایی دارد.

حسابی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «قالب‌های معنایی خوردن از منظر معناشناسی قالبی» به بررسی فعل خوردن براساس رویکرد معناشناسی قالب-بنیاد پرداخته و تلاش کرده‌است تا رخدادهای مختلف این فعل را با استفاده از منابع متعددی، همچون جملات دانشجویان، وبلاگ‌های مختلف و نیز کتاب‌های الکترونیکی استخراج نماید. وی در واکاوی رخدادهای مختلف این فعل به ۲۶ قالب معنایی مختلف دست یافت که برخی از قالب‌ها به‌عنوان زیرقالب‌هایی از قالب‌های کلی‌تر در نظر گرفته شدند. در پایان نیز پرسش اساسی پژوهش که تفاوت بین فعل‌های مختلفی که به انواع مختلف خوردن اشاره دارند، چیست، این گونه پاسخ داده شد که این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت‌های دستوری و معنایی این قالب‌هاست که رخداد خوردن در آنها قابل مشاهده است. این پژوهش که بررسی فعل در زبان فارسی و براساس رویکرد معناشناسی قالب-بنیاد بود، نگارندگان پژوهش پیش‌رو را در رسیدن به معانی مختلف فعل خواندن و قالب‌های معنایی مختلف آن یاری نمود.

سلطانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «پویایی نیرو و چندمعنایی در ساخت‌های فعل سبک متشکل از فعل گرفتن» با استفاده از چارچوب پویایی نیروی بروگمان، معنی‌شناسی واژگانی شناختی و بررسی بیش از ۱۳۰ ساخت سبک و مرکب متشکل از فعل «گرفتن» نشان دادند که اگرچه این فعل سبک همانند فعل سنگین متناظرش معنای غنی واژگانی ندارد، ولی روابط معنایی نظام‌مندی بین این دو وجود دارد. با توجه به تعداد اندک فعل‌های ساده زبان فارسی، فعل‌های سنگین با حضور در ساخت‌های مرکب امکان بیان مفاهیم فعلی جدید را فراهم می‌کنند و به همین دلیل انتظار می‌رود که فعل سنگین «گرفتن» در ساخت‌های مرکب یا سبک بسیاری به کار رود و جنبه‌هایی از معنی خود را در این فرایند از دست بدهد. با این حال، در این مقاله نشان داده شد که نه تنها فعل سبک «گرفتن» جنبه‌های معنایی مختلفی از فعل سنگین از جمله پویایی نیرو را حفظ می‌کند، بلکه کاربردهای مختلف فعل سبک تابعی از چندمعنایی فعل سنگین است.

دهقان و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی چندمعنایی فعل شکستن براساس انگاره معناشناسی قالبی» به بررسی چندمعنایی فعل «شکستن» در زبان فارسی براساس معنی‌شناسی قالبی به مثابه نگرشی در چارچوب معنی‌شناسی شناختی فیلمور (۱۹۸۲) پرداخته‌اند. نگارندگان در بررسی، معانی چندگانه فعل شکستن را به‌دست داده و همگی آنها در

چارچوب معناشناسی قالب-بنیاد توصیف، تحلیل و واکاوی شدند. یافته‌های پژوهش نشان داده‌است که فعل شکستن دارای چهار قالب معنایی مختلف است و معنای «ضربه و ترک» به‌عنوان قالب و معنای سرنمون و ۳۹ قالب معنایی دیگر زیر چتر قالب‌های معنایی کلی‌تر و در ۷ خوشه معنایی؛ همچون «غم و ناراحتی» و «ارزش و احترام»، «پایان»، «تقلیل معنایی»، «چندمعنایی»، «فشار» و «استعاری» به‌عنوان معانی حاشیه‌ای استفاده می‌شوند.

آلن (۱۹۸۶) در کتاب *معنای زبانی*، چندمعنایی را «ویژگی یک واژه با بیش از یک معنی» می‌داند و علاوه بر این به تمایز میان چندمعنایی و هم‌آوایی هم‌نگاشتی نیز اشاره دارد؛ اما صرفاً به روش سنتی تمیز این دو از یکدیگر بسنده می‌کند. هرچند بر این نکته تأکید دارد که این روش نمی‌تواند رهگشا باشد. سعید (۱۹۹۷) در کتاب خود با عنوان *معنی‌شناسی*، چندمعنایی را به اختصار تعریف کرده و به نظر وی نیز چندمعنایی بر حسب رابطه معنایی موجود میان معانی یک واژه تعریف‌پذیر است. همچنین، بگوم^۱ و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهش «گسترش قالب‌های افعال در زبان هندی» روش آماده‌سازی قالب‌ها در طبقه‌بندی افعال در زبان هندی را بررسی کرده‌اند و از مبحث ساختن موضوعی افعال پانینی که از ارتباطها استفاده می‌کند، بهره برده‌اند.

۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی چندمعنایی فعل «خواندن» در زبان فارسی براساس الگوی معناشناسی قالب-بنیاد از دیدگاه فیلمور (۱۹۸۲) پرداخته‌است. نگارندگان از روش کتابخانه‌ای و با استفاده از فرهنگ بزرگ سخن نمونه‌های متعددی از زبان فارسی را گردآوری نموده‌اند. پس از بررسی‌های دقیق، نگارندگان متوجه شدند که فعل خواندن دارای پانزده قالب معنایی مختلف است، در این میان معنای «قرائت» به‌عنوان قالب معنایی سرنمون^۲ یا همان معنای اولیه‌ای است که بلافاصله به ذهن گویشوران متبادر می‌شود که این معنای سرنمون به همراه دیگر قالب‌های معنایی آن نیز در زیرقالب معنایی «ادراکی-بصری» به‌عنوان معانی حاشیه‌ای به کار می‌روند.

1. R. Begum

2. prototype meaning

۵- بررسی معانی متمایز فعل «خواندن»

در این پژوهش، ابتدا به تفاوت فعل «خواندن» با دیگر افعال مرتبط می‌پردازیم، سپس چندمعنایی فعل خواندن را براساس قالب‌های مختلف معنایی بررسی می‌کنیم. شایان ذکر است که قالب‌های مختلف معنایی این فعل، همگی در زیرقالب معنایی «ادراکی-بصری» قرار می‌گیرند، همان‌طور که در معناشناسی قالب-بنیاد مرسوم است، بررسی‌ها را با ساختار نقشی آنها شروع می‌کنیم، چراکه این رویکرد به معنای واژه‌ها توجه دارد. با در نظر گرفتن موقعیت فعل خواندن متوجه می‌شویم که در این حالت، موقعیت «دیده‌شدن چیزی» مورد نظر است و شخص خواننده کسی است که مطلب مورد نظر را می‌بیند و می‌خواند. افعالی که در این قالب تعریف می‌شوند عبارت‌اند از: «خواندن، قرائت کردن، یادگرفتن، آموختن و مطالعه کردن». از این‌رو، این افعال براساس زیرقالب معنایی «ادراکی-بصری» که حاوی نقش‌های دستوری، معنایی و کاربردشناسی است از یکدیگر قابل تشخیص خواهند بود. فعل خواندن به مهارتی اشاره دارد که فرد را قادر می‌سازد تا متن نوشتاری را بخواند و پیام آن را درک نماید، و فرایندی متحرک و پویاست، نه یک فرایند ایستا، ثابت و بی‌تحرک. خواندن از جمله مسائل اصلی مورد بحث در یادگیری زبان است، و فرایندی بیش از رمزخوانی علائم از روی یک صفحه کاغذ است. تلاشی است برای یافتن معنا که به تکاپوی فعال خواننده نیاز دارد. اما «قرائت کردن» در لغت به معنای خواندن است و تنها به خواندن ظاهر کلمات - بدون توجه به معنای آن - گفته می‌شود و سبکی رسمی نسبت به «خواندن» نیز دارد. همچنین «یادگرفتن» یک مؤلفه روان‌شناختی دارد که یکی از مقیاس‌های حافظه است و در آن فرد اطلاعاتی را که قبلاً دریافت کرده‌است دوباره به دست می‌آورد، و در یادگیری می‌توان ایده‌هایی را که یاد گرفته‌ایم در دنیای واقعی به کار بستیم و «یادگرفتن مطلبی» یعنی درک کردن آن. «خواندن» به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی یادگیری، اصول و راهکارهایی دارد که باید فراگرفته شود. همچنین «آموختن» تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری حاصل تجربه است، و به لحاظ سبکی نسبت به فعل «خواندن»، ادبی‌تر به نظر می‌رسد.

برخی «خواندن» و «مطالعه کردن» را هم‌معنا می‌دانند، حال آنکه این دو با هم تفاوت دارند. «مطالعه کردن» از نظر گستره معنایی، عام‌تر از «خواندن» است و بیشتر معنای کندوکاو را در ذهن گویشور متبادر می‌نماید تا این که مهارت خواندن از آن درک شود. «مطالعه کردن» فرایندی پیچیده‌است که براساس آن، خواننده پیامی را که نویسنده

رمزگذاری کرده‌است با زبان تصویری نوشتاری بازسازی می‌کند و به عبارتی، «مطالعه» روندی برای به کارگیری ذهن و دریافت اطلاعات است که این فرایند شامل خوب دیدن، خوب گوش‌دادن، لمس کردن، تجربه کردن و جست‌وجوی پاسخ‌هاست، و افعال «قرائت کردن، یادگرفتن، آموختن و مطالعه کردن» معانی زیرشمول فعل «خواندن» به حساب می‌آیند.

جدول ۱- تفکیک عناصر زیرقالب معنایی «ادراکی-بصری»

عنوان	ارادی	دقت	سبک	شمول	مثال
خواندن	√ ^(۱)	*	خنثی	√	مینا خوشبختانه کتاب را خواند.
قرائت کردن	√	*	رسمی	*	دکتر ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان بیانیه ۴+۱ را در نیویورک قرائت کرد.
یادگرفتن	√	*	رسمی	*	چطور می‌توان بهتر یاد گرفت.
آموختن	√	√	ادبی	*	آموختن، رنج کشیدن است.
مطالعه کردن	√	√	رسمی	*	زندگی پیغمبر را میلی‌متری باید مطالعه کرد.

۵-۱- قالب‌های معنایی متمایز فعل «خواندن»

همان‌گونه که در بخش‌های پیشین هم بیان گردید، در این بخش به بررسی ۱۵ قالب معنایی فعل «خواندن» که همگی از فرهنگ بزرگ سخن استخراج شده‌اند، خواهیم پرداخت.

۱. قالب معنایی: پنداشتن: «همین که تن پرورم نمی‌خوانند، خوب است».

ساخت دستوری	کسی (فاعل) چیزی را (مفعول) خواندن (فعل)
نوع فعل	ذهنی و انتزاعی
نقش معنایی	حسگر؛ پدیده؛ تصور

چنانکه می‌دانیم نگاهت یک مفهوم از حوزه فیزیکی یا محسوس به حوزه ذهنی یا انتزاعی در بسیاری از زبان‌ها متداول است. از منظر زبان‌شناسی شناختی، بدنمندی^۱ و کارکردهای آن، قالبی برای مفهوم‌سازی و نظم بخشیدن اهل زبان به جهان پیرامون خود فراهم می‌آورد. در این قالب، فعل از نوع ذهنی و انتزاعی است که در آن نقش‌های معنایی حسگر، پدیده و تصور وجود دارند، و ساختار استعاری ذهن یک بدن/است را می‌توان برای آن در نظر گرفت.

1. embodiment

۲. **قالب معنایی:** تبدیل کردن زبان نوشتاری به زبان گفتاری: «نگذاشت که نامه استاد تا آخر خوانده شود».

ساخت دستوری	کسی (فاعل) نتیجه (کاری) خواندن (فعل)
نوع فعل	کلامی
نقش معنایی	کنشگر؛ کنش‌پذیر؛ تغییر

ارتباط قالب «ادراکی-بصری» با قالب «تبدیل کردن زبان نوشتاری به زبان گفتاری» در این است که کنشگر باعث شده کاری ادامه پیدا نکند و مانع ایجاد آن شود. از این‌رو، نوع فرایند، کلامی است و شامل نقش‌های کنشگر، کنش‌پذیر و تغییر است.

۳. **قالب معنایی:** مطالعه کردن: «تکه کاغذی را که روی آن، نشانی زن ناشناس را یادداشت کرده بودم، خواندم».

ساخت دستوری	کسی (فاعل) چیزی را (مفعول) خواندن (فعل)
نوع فعل	کنشی
نقش معنایی	کنشگر؛ کنش‌پذیر؛ نشانی

در این قالب معنایی که فعل آن از نوع کنشی است نقش‌های کنشگر، کنش‌پذیر و نشانی نیاز است. معمولاً رابطه یک‌طرفه است و کنشگر، کنش‌پذیر را می‌خواند. در این قالب، کنشگر از عمل خود منفعت می‌برد.

۴. **قالب معنایی:** آموختن: «اول می‌خواست اقتصاد بخوانه، بعد به نقاشی علاقه پیدا کرد».

ساخت دستوری	کسی (فاعل) چیزی را (مفعول) خواندن (فعل)
نوع فعل	کنشی
نقش معنایی	کنشگر؛ کنش‌پذیر؛ رشته تحصیلی

در این قالب معنایی، کنشگر دارای اختیار است و نقش فاعلی دارد. فعل به کاررفته از نوع کنشی است و دارای سه نقش معنایی کنشگر، کنش‌پذیر و رشته تحصیلی است، و کنشگر از عمل خود لذت می‌برد. استعاره «انگیزه شدید برای انجام کاری دلیل ذاتی است» را می‌توان برای این نوع قالب معنایی در نظر گرفت.

۵. **قالب معنایی:** کلامی را با صوت آهنگین ادا کردن، آواز خواندن: «برخی به خواندن ترانه‌های قدیمی سرگرم‌اند» / «شجریان بسیار استادانه می‌خواند».

ساخت دستوری	کسی (فاعل) به چیزی (متمم) خواندن (فعل)
نوع فعل	کلامی
نقش معنایی	عامل؛ کلام؛ آواز و صدا

«لحن» در برخی موارد به معنای بیان کردن کلام به کنایه و تعریض و فحواست و این در نزد اکثر ادبا از جهت بلاغت ممدوح است. اما هرگاه «لحن» به صدا نسبت داده شود به معنای آهنگ‌های مختلف و خروج صدا از میزان متعارف در طرب‌انگیزی و آواز خوش است. این قالب معنایی که نوع فعل آن کلامی است شامل عامل، کلام، آواز و صداست و عامل از کنش خود لذت می‌برد. در این قالب، فعل به صورت ارادی است، و عنصر نغمه و آوازخوانی به آن افزوده شده است. به عبارتی، می‌توان گفت که بازتابی از فعل و انفعالات روحی و جسمی انسان است. آواز را به سه گروه تقسیم کرده‌اند: لذت‌بخش، خیال‌انگیز و انفعالی. آواز از لذت، خیال و انفعال انگیزته می‌شود و نیز باعث برانگیختن این سه در روح و روان آدمی می‌گردد. نوع فعل کلامی در آن حکم‌فرماست و آواز خواندن برای عامل سرخوشی می‌آورد و به واسطه آواز خواندن به خلق موسیقی می‌پردازد. از این رو، نقش‌های معنایی عامل و آواز در این قالب معنایی ضروری به نظر می‌رسند.

۶. قالب معنایی: احضار کردن، فراخواندن: «وزیر دربارش را بخواند و هدیه‌ای به او داد» / «صد و بیست و چهار هزار پیغمبر تو را به راه خدا همی خواندند و راه بهشت به تو می‌نمایاندند» / «گویند افشین روز و ساعت این مهمانی را هم معین کرده و معتصم را بدان مهمانی خوانده بود» / «یکی از قراول‌ها را که مهربان بود، خواندم».

ساخت دستوری	کسی (فاعل) کسی را (مفعول) خواندن (فعل)
نوع فعل	حرکتی
نقش معنایی	کنشگر؛ پذیرا / کنش‌پذیر؛ حضور

این قالب معنایی، با زیرقالب معنایی «ادراکی-بصری» تناسب دارد و منشعب از آن است. «احضار کردن» در اصل فراخواندن و طلبیدن است و رابطه‌ای که این قالب با قالب معنایی «ادراکی-بصری» دارد این است که شخص امر خواندن می‌کند که حالتی ارادی است. امر در لغت معانی مختلف دارد، از جمله (طلب و خواستن) است، و در اصطلاح، فعل امر فعلی است که طلب کاری را می‌رساند، یعنی هرگاه از کسی انجام عملی را بخواهیم، فعلی که استعمال می‌کنیم فعل امر است و همچنین، به لحاظ پویایی می‌توان گفت که قالب معنایی این فعل در

اینجا از نوع حرکتی است که در پایان، کنش به صورتی است که کنشگر یا عامل به جایی فراخوانده می‌شود و از این عمل لذت می‌برد. به عبارتی، در این قالب معنایی، کنش‌های معنایی کنشگر، کنش‌پذیر و حضور ضروری هستند.

۷. قالب معنایی: نامیدن: «حکیم نامدار خودمان امام فخر رازی را «امام الشکاکین» خوانده‌اند».

ساخت دستوری	کسی (فاعل) کسی را (مفعول) خواندن (فعل)
نوع فعل	کلامی
نقش معنایی	عامل؛ بهره‌ور؛ نامیدن، صدا زدن

در این قالب نوع فعل کلامی است و نقش‌های معنایی عامل، بهره‌ور و نامیدن در آن موجود است. بهره‌ور باید یک ویژگی خاص داشته باشد که بدان خوانده شود.

۸. قالب معنایی: فهمیدن: «می‌توانم افکارش را بخوانم».

ساخت دستوری	کسی (فاعل) چیزی را (مفعول) خواندن (فعل)
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
نقش معنایی	فهم

در این مورد، ارتباط قالب «ادراکی-بصری» با قالب «فهمیدن» در این است که «خواندن» در این مورد از فضای ادراکی به فضایی انتزاعی تر ربط داده شده‌است. این حالت خود ممکن است در قالب استعاره «فهمیدن» روی دهد.

۹. قالب معنایی: (گفت‌وگو) مشخص کردن و نشان دادن مقدار چیزی: «از بس سنگینه که ترازو او را نمی‌خواند».

ساخت دستوری	کسی (فاعل) از چیزی (متمم) خواندن (فعل)
نوع فعل	کنشی
نقش معنایی	اثرگذار؛ اثرپذیر؛ وزن

فعل «خواندن» در جمله بالا بسته به اینکه در چه بافتی به کار رود می‌تواند به معنای «مشخص کردن و نشان دادن مقدار چیزی» باشد. در این مثال، منظور نوسان وزن است که منبع به سوی کنشگر متمرکز است و جریان حرکت در این رویداد، نشان‌دهنده حرکت عینی

اثرگذار به سمت اثرپذیر و در نتیجه اضافه‌شدن وزن اثرگذار است. در این قالب معنایی نقش‌های اثرگذار، اثرپذیر و وزن مشاهده می‌شوند.

۱۰. قالب معنایی: تشبیه کردن: «به ماه و صنوبر همی خواندم او را به رخسار و بالای زیبا و درخور»

ساخت دستوری	کسی (فاعل) به چیزی (متمم) خواندن (فعل)
نوع فعل	احساسی
نقش معنایی	تشبیه‌کننده؛ تشبیه‌شده؛ احساس

در این قالب، فعل از نوع احساسی است که در آن نقش‌های معنایی تشبیه‌کننده، تشبیه‌شده و احساس وجود دارند. این قالب با توجه به اینکه کنشگر به نشان‌دادن عملی اقدام می‌کند، منجر به بازتاب ذهنی خود می‌شود که شالوده همه ادراکات به شمار می‌رود. امری است همگانی که معمولاً برای آگاه ذهنی تجربه از احساسات به کار می‌رود و باعث می‌شود فرد برای همانندسازی چیزی به چیزی دیگر، شباهتی را ادعا و برقرار یا آشکار کند.

۱۱. قالب معنایی: گفتن: «دعایی بخوان تا شاید فرجی بشه»

ساخت دستوری	کسی (فاعل) چیزی را (مفعول) خواندن (فعل)
نوع فعل	کلامی
نقش معنایی	عامل؛ سخن‌پردازی؛ رحمت

با توجه به معنای «خواندن» در این کاربرد، فردی از شخص دیگری که دارای دلی پاک است می‌خواهد تا از خداوند درخواست گشایش کند. فعل بالا از نوع کلامی است و نقش‌های معنایی عامل، سخن‌پردازی و رحمت هستند. استعاره به‌کاررفته در این قالب معنایی «نعمت، رحمت» می‌باشد که رحمت موجودیتی انتزاعی است.

۱۲. قالب معنایی: پیش‌بینی کردن: «تا اینجا نقشه‌ام مطابق میلم انجام شده بود، اما از این به بعدش را دیگر نخوانده بودم».

ساخت دستوری	کسی (فاعل) چیزی را (مفعول) خواندن
نوع فعل	انتزاعی و ذهنی
نقش معنایی	حسگر؛ پدیده؛ ذهن

در این قالب، فعل از نوع ذهنی و انتزاعی است که در آن نقش‌های معنایی حسگر، پدیده و ذهن وجود دارند. رابطه قالب معنایی «ادراکی-بصری» با قالب «پیش‌بینی کردن» در این

است که شخص دربارهٔ اتفاقاتی که ممکن است در آینده بیفتد، صحبت می‌کند تا بفهمد آیا رخدادهای مورد نظر روی می‌دهد یا خیر. بیشتر پیش‌بینی‌ها بر مبنای تجربیات یا دانسته‌ها هستند، و پیش‌بینی حداقل دو ویژگی دارد: «مهم و دشوار» که امری محسوس است، وارد لایه‌های ذهن یا قوهٔ تخیل می‌شود و به شناخت که امری غیرمحسوس و انتزاعی است تبدیل می‌شود، یعنی از محسوسات به انتزاعیات رسیدن. همچنین به لحاظ استعاری و با توجه به استعارهٔ «اندیشه‌ها، شیء هستند» قابل خواندن هستند.

۱۳. قالب معنایی: کیش‌دادن در شطرنج: «هر بیدقی که براندی به دفع آن بکوشیدی و هر شاهی که بخواندی به فرزین بپوشیدی».

ساخت دستوری	کسی (فاعل) چیزی را (مفعول) خواندن (فعل)
نوع فعل	کنشی
نقش معنایی	کنشگر؛ بهره‌ور؛ حرکت

در فارسی نو، بندهای فعلی گذشته گزارشی با نمود روندی استمراری پسوند فعل‌پرداز /-i/ یا /-id/ به خود می‌گرفته‌اند. در این قالب معنایی، نوع فعل کنشی است که برای تحقق این نقش‌های معنایی کنشگر، بهره‌ور و حرکت ضروری هستند. در این قالب، حرکت نوعی رابطهٔ بیرونی است و بهره‌ور از این کنش سود می‌برد که این نفع غالباً به صورت کسب انرژی کنشگر از بهره‌ور است. همچنین در این قالب به نظر می‌رسد از استعارهٔ مفهومی «قدرت بالاست» استفاده شده‌است.

۱۴. قالب معنایی: تناسب‌داشتن: «شروع کردم به تعمیر قسمت بالای ساختمان، اما هنوز درست نشده بود و با بقیهٔ جاهای نمی‌خواند».

ساخت دستوری	چیزی (فاعل) با چیزی (متمم) خواندن (فعل)
نوع فعل	ادراکی
نقش معنایی	ادراک‌کننده؛ پدیدهٔ ادراک‌شده؛ چشم

در این مورد، فعل از نوع ادراکی است و در این قالب معنایی که با استفاده از «چشم» انجام می‌گیرد، نقش‌های معنایی ادراک‌کننده، پدیدهٔ ادراک‌شده و چشم وجود دارند.

۱۵. قالب معنایی: صدا (تولیدشدن صدای ممتد به سبب وجود عینی در دیفرانسیل یا گیربکس خودرو): «از دیروز تا حالا دنده دوآش می‌خواند»

ساخت دستوری	چیزی (فاعل) خواندن (فعل)
نوع فعل	رویدادی
نقش معنایی	پدیده؛ صدا

در این مورد که نوع فعل رویدادی است، نقش‌های پدیده و صدا نیاز است. در این قالب از استعاره «صدادادن، خرابی دستگاه است» استفاده شده و در آن یکی از قطعات ماشین به صدا افتاده است.

۵-۲- قالب‌ها و شبکه معنایی فعل «خواندن» در زبان فارسی

با توجه به معانی به دست آمده فعل خواندن مشخص شد که این فعل با مفهوم سرنمون «قرائت»، دارای ۱۵ قالب معنایی متمایز است که در بخش تحلیل داده‌ها به طور مفصل به آنها پرداخته شد، و از ۶ خوشه معنایی «قرائت»، «مطابقه»، «درک و فهم»، «تحصیل»، «صدا زدن» و «معنای استعاره‌ای» تشکیل شده است. پس از واکاوی معانی مختلف آن، ابتدا خوشه‌های معنایی زیر به دست داده شد و در پایان شبکه معنایی آن ترسیم شد.

الف. خوشه معنایی قرائت: [لطف می‌کنی چند خط مقاله رو واسم بخونی].

۱. الف. کلامی را با صوتی آهنگین ادا کردن

۲. الف. گفتن

۳. الف. آواز خواندن

ب. خوشه معنایی مطابقه: [این شال با این روسری نمی‌خونه].

۱. ب. تناسب داشتن

فعل خواندن در این معنا، نوعی استعاره به نظر می‌رسد.

ج. خوشه معنایی درک / فهم: [فکرشو خوندم].

۱. ج. پنداشتن

۲. ج. فهمیدن

د. خوشه معنایی تحصیل: [او خواست معماری بخونه، اما بعدا به پزشکی رو آورد].

۱. د. مطالعه کردن

۲. د. آموختن

ه. خوشه معنایی نامگذاری/صدا زدن: [سربازان را به میدان جنگ خواندند.]

۱. احضار کردن

۲. دعوت کردن و فرا خواندن

۳. نام کسی را بر زبان آوردن و او را صدا زدن

۴. دعوت کردن به مهمانی

۵. تبدیل کردن زبان نوشتاری به زبان گفتاری

و. خوشه معنای استعاری: [او را شیر خواندند.]

۱. نامیدن

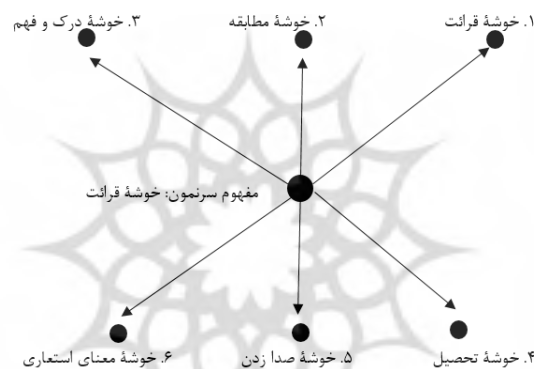
۲. کیش دادن مهره شطرنج

۳. (گفت‌وگو) مشخص کردن و نشان دادن مقدار چیزی

۴. صدا (تولید شدن صدای ممتد به سبب وجود عینی در دیفرانسیل یا گیربکس خودرو)

۵. تشبیه کردن

۶. پیش‌بینی کردن



شکل ۱- شبکه معنایی فعل «خواندن» در زبان فارسی

Figure1. Semantic network of the verb "xandæn" in Persian

۵-۳- با هم‌آیی^۱ قالب‌ها در تبیین‌های معنایی مختلف فعل خواندن در فارسی

در این بخش به شرح باهم‌آیی دیگر واژه‌ها با فعل «خواندن» به‌عنوان نوعی واژگانی‌شدن می‌پردازیم که به صورت اصطلاحی درآمده‌اند و معنای کلی آنها از ترکیب اجزای آنها قابل

1. collocation

استخراج نیست. اگر بخواهیم رابطه بین اجزای این اصطلاحات را رمزگشایی کنیم، معنای «خواندن» ممکن است در نگاه اول ساده به نظر برسد و به یکی از قالب‌های معنایی بررسی شده در بخش پیشین بازگردد و معنای کل با ترکیب ساده به دست آید که رمزگشایی معنایی آنها کار چندان دشواری نیست. مانند نمونه‌هایی که در زیر آمده‌است.

– خواندن حساب: «حسابدار دقیقی است، حساب‌هایش همیشه می‌خواند».

– چیزی را بر کسی خواندن: «مدتی پیش وی بودم، سی هزار بیت جاهلی بر وی خواندم و حفظ کردم».

– خدا را خواندن: «اگر از ته دل خدا را بخوانی، دعایت را مستجاب می‌کند».

بنابراین، اینها نمونه‌هایی از اصطلاحاتی هستند که همراه فعل «خواندن» به کار می‌روند و رمزگشایی معنای آنها کار دشواری نیست. اما مواردی هم هست که با وجود داشتن دستوری ساده، معنای آنها از ترکیب معنای اجزای آن قابل رمزگشایی نیست. مانند قالب‌های معنایی زیر که از باهم‌آیی فعل «خواندن» با سایر واژگان به دست آمده‌اند.

الف. قالب معنایی تحریک / وسوسه:

«به گوش کسی خواندن» در جمله «به گوش همسرش خوانده‌اند که او بی‌جنبه است» که قالب معنایی آن «کسی را تحریک کردن یا وسوسه کردن برای انجام کاری» است.

ب. قالب معنایی احترام:

«حرف کسی را خواندن» در جمله «کسی حرفش را نمی‌خواند» که قالب معنایی آن «احترام گذاشتن یا توجه کردن به کسی» است.

پ. قالب معنایی لو رفتن / برملا شدن:

«دست کسی را خواندن» در جمله «دستش را خواندم و نتوانست کاری انجام دهد» که قالب معنایی آن «لو رفتن و یا برملا شدن چیزی» است.

ت. قالب معنایی مطابقت:

«چیزی با چیز دیگری نخواندن» در جمله «این پیچ با این مهره نمی‌خواند» که قالب معنایی آن «متناسب نبودن» است.

ث. قالب معنایی از بین بردن / نادیده گرفتن:

«فاتحه کسی را خواندن» در جمله «فاتحه‌ش خوانده‌س» که قالب معنایی آن «از بین بردن و نادیده گرفتن کسی» است.

از این‌رو، قالب‌های معنایی بالا که عبارت‌اند از: «تحریک، احترام، لو رفتن، مطابقت و نادیده گرفتن» نیز در با هم‌آیی فعل *خواندن* با واژه‌های دیگر به‌دست آمده‌است. بنابراین، علاوه بر نوزده قالب معنایی بررسی شده در این پژوهش، می‌توان به قالب‌های معنایی دیگری که از هم‌نشینی این فعل در با هم‌آیی با سایر واژگان به‌دست می‌آید اشاره کرد. همچنین، برخی از با هم‌آیی‌های واژگانی فعل «خواندن» که معنا و استعاره خاصی را القا می‌کند به قرار زیر است:

در با هم‌آیی‌هایی مانند: *نماز خواندن*، *دعا خواندن*، *فاتحه خواندن*، *تعزیه خواندن* و *مولودی خواندن*، قالب «کار انجام شده» برای خواندن مناسب است که به نحوه حرکت اشاره دارد، و این عناصر را می‌توان مصادیقی از وضعیت یا حالت تلقی نمود که به لحاظ استعاری و با توجه به استعاره «وضعیت، شیء است» قابل خواندن هستند. همچنین در با هم‌آیی‌هایی مانند: *اصول‌گرا خواندن*، *بی‌نظیر خواندن*، *میهم خواندن* و *مشروع خواندن* نیز قالب «دانستن و فرض کردن» برای فعل «خواندن» کاربردی هستند.

۶- نتیجه‌گیری

تمرکز اصلی این مقاله بر فعل «خواندن» در فارسی نو و امروزی بوده و پس از واکاوی معانی مجزای فعل *خواندن* براساس انگاره معناشناسی قالبی (فیلمور، ۱۹۸۲) در معنی‌شناسی شناختی مشخص شد که این فعل از مفهوم سرنمون یا اولیه «قرائت» برخوردار است. یافته‌های پژوهش، تصویری روشن از معانی فعل *خواندن* در فارسی نو و امروزی به دست داده‌است و تبیین‌های ارائه شده در این پژوهش می‌تواند در آموزش زبان فارسی مفید واقع شود و یادگیری زبان فارسی را برای زبان‌آموزان تسهیل نماید. شبکه معنایی قالب-بنیاد از آنجا که تا حدودی باز نمود واژگان ذهنی یک گویشور است، در فرهنگ‌نگاری^۱، تدریس زبان و ایجاد انواع هستی‌شناسی‌ها کاربرد دارد. هر فعلی در زبان فارسی ظرفیت خاصی دارد که با توجه به آن ظرفیت تعداد و انواع مشخصی از وابسته‌ها را می‌گیرد. هدف از انجام این پژوهش تلاش برای تحلیل چندمعنایی فعل *خواندن* در نگرش شناختی و توجه به قالب‌های معنایی فرهنگی در تبیین چندمعنایی افعال بود. یکی از انگاره‌های مطرح در زبان‌شناسی شناختی، انگاره قالب‌های

1. lexicography
2. ontology

معنایی فیلمور (۱۹۸۲) است. به باور فیلمور، گوینده واژه‌ها و ساخت‌های زبانی را به‌عنوان ابزاری برای برانگیختن درک شنونده تولید می‌کند و وظیفهٔ شنونده، پی‌بردن به منظور این ابزار است. به عبارت دیگر، واژه‌ها و ساختارهای زبانی، قالب معنایی را برمی‌انگیزند و شنونده با استناد به قالبی که با شنیدن یک پاره‌گفتار فعال شده، به معنای پاره‌گفتار پی می‌برد و به این ترتیب، فرایند درک صورت می‌گیرد. قالب‌های واژگانی براساس تجربهٔ افراد از زندگی متفاوت است و در رویکردی که بر قالب‌های معنایی مبتنی است. براساس رویکرد قالب-بنیاد دانش تجربی، ما را از کاربرد زبان آگاه می‌سازد و موجب درک ما از زبان می‌شود. انگارهٔ قالب‌های معنایی، تأکید زیادی بر تعامل زبان و تجربه دارد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بررسی این فعل منجر به یافتن پانزده قالب معنایی متمایز در زبان فارسی شد. معنای «قرائت» به‌عنوان معنای سرنمون آن در نظر گرفته شده‌است، و بلافاصله به ذهن سخنور فارسی‌زبان متبادر می‌شود. به‌علاوه، این فعل از ۵ خوشهٔ معنایی «مطابقه، درک/فهم، تحصیل، نامگذاری/صدازدن، استعاری» برخوردار است. همچنین نتایج نشان داد که این فعل از زیرقالب معنایی خاص «ادراکی-بصری» برخوردار است که همهٔ معنای پانزده‌گانه در ۵ خوشهٔ معنایی مختلف، زیرشمول این قالب معنایی خاص هستند. نکتهٔ دیگری که در این پژوهش حائز اهمیت است آن است که گویشوران فارسی‌زبان از برخی قالب‌های فعل خواندن برای تبیین باهم‌آیی‌های شامل فعل خواندن نیز استفاده می‌کنند.

پی‌نوشت

۱. در جدول مشخصات تفکیک عناصر قالب از علامت (√) به جای کلمهٔ «دارد» و از علامت (*) به جای کلمهٔ «ندارد» استفاده شده‌است.

منابع

- انوری، ح. ۱۳۸۳. فرهنگ سخن. تهران: سخن.
- دهقان، م؛ کرمی، ع. ۱۳۹۸. «بررسی چندمعنایی فعل «شکستن» براساس انگارهٔ معناشناسی قالبی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۹(۱۸): ۱۷-۳۰.
- راسخ‌مهند، م. ۱۳۸۹. درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم. تهران: سمت.

سلطانی، ر؛ عموزاده، م. و رضایی، ح. ۱۳۹۶. «پویایی نیرو و چندمعنایی در ساخت‌های فعل سبک متشکل از فعل گرفتن»، پژوهش‌های زبانی، ۸(۲): ۵۹-۷۸.

حسابی، ا. ۱۳۹۵. «قالب‌های معنایی خوردن از منظر معناشناسی قالبی». زبان و زبان‌شناسی، ۱۱(۲۲): ۱-۲۶.

کریمی دوستان، غ؛ روحی بایگی، ز. ۱۳۹۵. «بررسی چندمعنایی فعل سبک «زدن» از دیدگاه شناختی»، جستارهای زبانی، ۷(۳): ۱۲۹-۱۴۸.

Allan, K. 1986. *Linguistic Meaning*. Routledge & Kegan Paul.

Begum, R.; Samar H.; Lakshmi B.; Dipti M. 2008. Developing Verb Frames for Hindi. *Sharma Language Technologies Research Centre, IIT, Hyderabad, India*.

Bréal, M. 1897. *Essai de Sémantique: Science des Significations*. Paris: Hachette.

Cruse, D. A. 1986. *Lexical Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.

Fillmore, C. J. 1969. The Case for Case. Emmon Bach and Richard Harms. Eds. *Universals in Linguistic Theory*. New York: Holt, Rinehart & Winston.

Fillmore, C. J. 1975. An Alternative to Checklist Theories of Meaning. Cathy Cogen, Henry Thompson, Graham Thurgood, Kenneth Whistler and James Wright (eds), *Proceedings of the first annual meeting of the berkeley linguistics society*. Berkeley, CA: Berkeley linguistics society.

Fillmore, C. J. 1977. Topics in Lexical Semantics. Roger W. Cole (ed.). *Current Issues in Linguistic Theory*. Bloomington: Indiana University Press.

Fillmore, C. J. 1982. Frame semantics. In The Linguistic Society of Korea, eds. *Linguistics in the Morning Calm*. Seoul: Hanshin Publishing Co.

Fillmore, C. J. 1985. Frames and the Semantics of Understanding. *Quaderni di semantica*, 6(2), 222-254.

Fillmore, C. J. 1987. A Private History of the Concept Frame. Rene Dirven and Gunter Radden (ed.) *Concepts of Case*. Tübingen: Narr.

Fillmore, C. J. 2006. Scenes-and-Frames Semantics. Antonio Zampolli (ed.). *Linguistic Structures Processing*. Amsterdam: North-Holland

Fillmore, C. Jand B. T. Sue Atkins. 1992. Toward a Frame-based Lexicon: the Semantics of Risk and its Neighbors. Adrienne Lehrer and Eva Feder Kittay (eds). *Frames, Fields and Contrasts: New Essays in Semantic and Lexical Organization*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.

Gauker, Ch. 2003. *Words Without Meaning*. Cambridge: The MIT Press.

Geeraerts, D. 2010. *Theories of Lexical Semantics*. Oxford University Press.

Lakoff, G. 1987. *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind*. Chicago: University of Chicago Press.

Lyons, J. 1981. *Language, Meaning and Context*. London: Fontana Press.

Paul, H. 1880. *Prinzipien der Sprachgeschichte*. 5th edn. Halle: Niemeyer.

- Quine, W. V. O. 1953a. *From a logical point of view*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Quine, W. V. O. 1953b. *Word and object*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Saeed, J. I. 1997. *Semantics*, Blackwell.



The Semantic Frames of the Verb *Xandæn* in Persian

Masoud Dehghan^{1*}
Behnaz Vahabian²

Received: 2020/01/08

Accepted: 2020/10/19

Abstract

One of the most important issues in the field of semantics is polysemy occurring at different language levels. The purpose of the present study is to investigate the semantic frames of the verb *xandæn* and to present the different meanings of this verb in Persian based on the Frame Semantics Theory (1982) in cognitive approach. The methodology of this qualitative research is descriptive-analytic, and the studied corpus contains the prototypical and distinctive meanings of the Persian verb *xandæn* collected from *Farhang-e Bozorg-e Soxan*. In the mentioned book, fifteen distinctive meanings have been documented for this verb. The total samples used in the present research are taken from this book. The analysis of the research data revealed that the prototypical meaning of the verb *xandæn* is 'reading'. Moreover, it was showed that, in addition to the prototypical meaning of "reading" as a semantic frame, *xandæn* illustrates five more semantic clusters, namely "mapping, comprehension, education, naming and metaphorical meaning," which are regarded as semantic sub-frames of "*perceptual-visual*". In other words, all distinctive meanings fall under this particular semantic sub-frame. The research findings give a clear picture of the meanings of *xandæn* in Persian. Also, the explanations presented in this study can be useful in Persian language teaching and facilitate learning Persian for Persian language learners.

Keywords: Polysemy, Frame Semantics, *Xandæn*, Persian

1. Assist. Prof. in Linguistics, Department of English Language and Linguistics, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. (Corresponding Author)

* Email: m.dehghan@lit.uok.ac.ir

2. PhD. in Linguistics, Department of Persian Language Teaching and Non-Persian Speakers, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

1. Introduction

One of the most important issues in the field of semantics is polysemy occurring at different language levels. The purpose of the present study is to investigate the semantic frames of the verb *xandæn* and to present the different meanings of this verb in Persian based on the Frame Semantics Theory (1982) in cognitive approach. Frames are represented as the lexical units. In other words, lexical units are used to express mental concepts (i.e. frames) so that the semantic differences in a single general concept or a single frame are portrayed through different lexical units. In this regard, Fillmore has investigated the importance of studying the encyclopedic meaning and examining the semantic network of each word. He considers each template to be a single design of the experience that exists in human's long-term memory. Therefore, it is not possible to understand the meaning of a word or a grammatical construction outside of its semantic frame. This frame consists of elements gathered around the experience. Each semantic frame is the knowledge needed to understand the meaning of a particular word or related words. In this article, among different lexical categories, the category of verb has been examined.

2. Theoretical Framework

As the present study aims to investigate the polysemy of the verb *xandan* from the perspective of Frame Semantics model, in the following, the model which was first proposed by Fillmore (1982) will be introduced. The model of Frame Semantics is based on the belief that words are empirical categories influenced by situations which are, in turn, shaped by background knowledge and experience. According to this idea, words are formed only through experiences and situations of human's life, consequently the only possible way to realize how the semantic elements of speech are being served is to understand the experiences and the situations. With respect to the meaning of a word, Frame Semantics is an attempt to understand the motivations of a language community toward the production of a word category. Hence, this approach shows the meaning of a word by classifying these motives. Fillmore's (1982) view of Frame Semantics is a study and research program in empirical semantics as well as providing a descriptive framework for explaining the results of such a study. He also believes that Frame Semantics provides both a specific way to deal with the meanings of words and a way to determine the principles of creating new words, as well as furnishing conditions to add new meanings to words and to accumulate the meanings of the components of a text to understand the whole meaning. In

his 1969 paper, Fillmore argues that cases such as agentive, experiencer, instrumental, patient, factive, locative, temporal, source, goal, companion, benefactor, and force are universal and possibly inherent concepts which are formed through the judgments humans make about the events taking place around them. Generally, there are two types of frames called “cognitive frames” and “interactive frames”. Interactive frames are concerned with how to conceptualize what happens between the speaker and the listener or between the writer and the reader. For further explanation, Fillmore describes the “scene” schema of the “transaction” field (Fillmore, 1977) and tries to prove that a large number of English verbs are semantically related in different ways through the same “scene” in the human mind. For example, in the field of transaction, there are certain elements such as ‘buyer’, ‘seller’, ‘goods’, and ‘money’, which through each a scene is highlighted alongside the transaction-related English verbs namely ‘sell’, ‘buy’, ‘pay’, ‘cost’ etc. while the other part shapes the scene background. According to the relationships that govern commercial exchange, the scenes of outside of the world portrays the buyer and the seller as giving money to the seller and giving goods to the buyer in return. Interestingly, while expressing such a single scene in languages of the world bears a certain frame, the four mentioned elements express the same event in the form of a large set of sentences. Fillmore seeks to understand how these language patterns encode the outside world events.

3. Methodology

The methodology of this qualitative research is descriptive-analytic, and the studied corpus contains the prototypical and distinctive meanings of the Persian verb *xandæn* collected from *Farhang-e Bozorg-e Soxan*. In this book, a myriad of distinctive meanings have been considered for *xandæn*. The total samples used in this article are taken from the mentioned book.

4. Results and Discussion

The research findings represent a clear picture of the meanings of the verb *xandæn* ‘reading’ in Persian. In this regard, the explanations presented in this study can be useful in Persian language teaching and can facilitate learning Persian for Persian language learners. Studying the fifteen distinct semantic frames in Persian for the verb *xandæn* ‘reading’ in Persian based on the findings of this article indicate that the analysis of this verb led to finding fifteen distinct semantic frames in Persian among which the

meaning of 'reading' is considered as the prototypical meaning, which immediately comes to the mind of the Persian speakers.

5. Conclusions

The main focus of this study was on the verb *xandan* in Persian. Analyzing the separate meanings of this verb based on Fillmore's frame semantics model (1982) in cognitive semantics, it was found that this verb bears the prototypical and primary meaning of 'reading'. The results also showed that this verb, in addition to the prototypical meaning of 'reading' as a semantic frame, portrays five more semantic clusters, namely "mapping, comprehension, education, naming and metaphorical meaning," which are regarded as semantic sub-frames of "perceptual-visual". In other words, all distinctive meanings fall under this particular semantic sub-frame.

Select Bibliography

- Begum, R.; Samar, H.; Lakshmi, B. & Dipti, M. 2008. *Developing Verb Frames for Hindi*, Sharma Language Technologies Research Centre, IIT, Hyderabad, India.
- Fillmore, C. J. & Sue Atkins, B. T. 1992. Toward a frame-based lexicon: the semantics of risk and its neighbors. Adrienne Lehrer and Eva Feder Kittay (eds.). *Frames, fields and contrasts: New essays in semantic and lexical organization*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Fillmore, C. J. 1977. *Topics in lexical semantics*, Roger W. Cole (ed.). *Current issues in linguistic theory*, Bloomington: Indiana University Press.
- Fillmore, C. J. 1982. Frame semantics, *Linguistics in the Morning Calm*. In The Linguistic Society of Korea, Seoul: Hanshin Publishing Co.
- Fillmore, C. J. 1985. Frames and the semantics of understanding. *Quaderni di semantica*, 6(2), 222-254.
- Fillmore, C. J. 1987. *A private history of the concept frame*. Rene Dirven and Gunter Radden (eds.) *Concepts of case*. Gunter Narr Verlag
- Fillmore, C. J. 2006. Scenes-and-frames semantics, Antonio Zampolli (ed.). *Linguistic structures processing*. Amsterdam: North-Holland Publishing.
- Geeraerts, D. 2010. *Theories of lexical semantics*. Oxford: Oxford University Press.
- Karimi Dustan, Gh. & Ruhi B., Z. 2017. Semantic Study of the Light Verb *zadan* from Cognitive Perspective, *Language Related Research*. 7(3), 129-148 [In Persian].
- Rasekh Mahand, M. 2011. *An Introduction to Cognitive Linguistics: Theories and Concepts*, Tehran: SAMT publication. [In Persian].